

● جلال خالقی مطلق

## دستی از پرده برون آمد نامه‌ای از آن سوی آب‌ها

در شماره‌ی ۳ سال ۱۳۸۳ نشریه‌ی گرامی گوه‌ران، شاعر ارجمند آقای محمدعلی سپانلو در جستاری با عنوان «بیتی بازیافته از چکامه‌ بخارا» سه بیت هم از کسایی مروزی آورده‌اند و به تکراری بودن مضمون مصراع آخر آن اشاره کرده‌اند. نخست آن سه بیت:

دستی از پرده برون آمد چون عاج سپید	گفتی از میغ همی تیغ زند زهره و ماه
پشت دستی به مثل چون شکم قاقم نرم	چون دم قاقم کرده سر انگشت سیاه
نرم نرمک ز پس پرده به چاکر نگریست	گفتی از میغ همی تیغ زند گوشه ماه

ایراد تکرار قافیه و مضمون بر این سه بیت، چنان‌که خود آقای سپانلو اشاره کرده‌اند، البته در صورتی وارد است که فرض را بر این بگذاریم که این هر سه بیت باقی مانده از یک قطعه شعر واحداند، به‌ویژه اگر، چنان‌که مضمون بدان رهنمون است، این سه بیت پشت یک‌دیگر نیز قرار گرفته بوده باشند. ولی به‌جز عیب تکرار مضمون و قافیه، ایراد دیگری نیز بر بیت‌های نخستین و سومین هست و آن اینکه این بیت‌ها با وجود داشتن مایه‌ای از تصویری زیبا، بیان چندان استواری ندارند، یعنی شاعر نگاره را درست نپورانده است:

در بیت نخستین دست سپیدی که از پشت پرده بیرون می‌آید، مانند شده‌است به شمشیر زهره و ماه که از پشت ابر بتابد. در این جا از دو لفظ زهره و ماه یکی از آن‌ها حشو است. هم چنین پسندیده‌تر بود اگر مشبه به خورشید می‌بود و نه زهره با ماه.

در بیت سوم شاید تیغ گشته‌ی تیر باشد، ولی چه تیغ زدن بگیریم و چه تیر زدن، با لفظ نرم نرمک مناسبت ندارند.

درباره‌ی طبع آزمایی در بیت سوم که آقای سپانلو پیشنهاد کرده‌اند، اگر رعایت سبک رایج سده‌ی چهارم را به روان‌شاد کسایی مروزی واگذار کنند و ذوق ورزی این ناشاعر گستاخ را هم بپذیرند، تقدیم می‌گردد:

نرم نرمک ز پس پرده به چاکر نگریست	کشت گفنی نگهنس در دل من تخم گناه
نرم نرمک ز پس پرده به چاکر نگریست	از پس ابر تو گفنی که کند ماه نگاه